

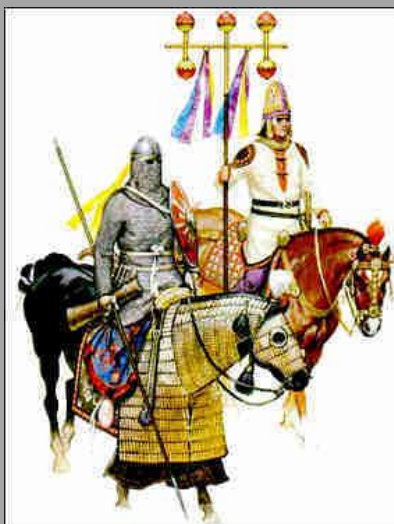


## اسپورگان

نظر به وسعت مملکت و لزوم داشتن نیروی واکنش سریع برای مقابله با ارتش‌های رومی در طرف مغرب و جلوگیری از تهاجم طایفه‌های وحشی آسیای مرکزی در سمت مشرق در زمان ساسانیان، هم مانند دوره اشکانیان، رسته‌س اصلی ارتش ایران قسمت سواره بود، ولی از لحاظ آموزش‌ها و سازمان و تجهیزات، با سوارهای پارت تفاوت کلی داشته است.

پادشاهان ساسانی به تعلیم و تربیت سواران توجه خاصی داشتند و متخصصانی به نام «اندرزبد اسپوراگان» مأمور پادگان‌های مختلف میکردند که فنون سواری و طرز به کلرگیری اسلحه و شیوه‌های رزمی این رسته را به افسران و افراد بیاموزند. در تربیت و نگاهداری و طرز پرورش اسب‌ها هم مراقبت بودند و به بهبود نژاد و تخم آن‌ها توجه مخصوصی می‌شده است. برای معالجه‌ی اسب‌ها بیطاران مجربی بنام «ستور پزیشک» وجود داشتند که به همه پادگان‌ها سرکشی می‌نمودند و اسب‌های بیمار را درمان می‌کردند.

در موقع جنگ بر میزان علیق اسب‌ها می‌افزودند تا در اثر سختی‌های جنگ به زودی از پا در نیایند. سواره دورهی ساسانی بیش‌تر سنگین اسلحه و استعداد تعرضی آن به حدی بوده که اغلب لژیون‌های رومی را به سرعت و به حال سواره مورد حمله قرار می‌دادند. سوار سنگین اسلحه سراپا غرق آهن و پولاد می‌شد و اسلحه‌ی هجومی او عبارت از يك نیزه بلند و محکم و گاهی تیر و کمان و اغلب شمشیر و تبرزین بود. اسلحه‌ی دفاعی او عبارت از يك سپر کوچک، زره و کلاه خود که صورت و پشت گردن را حفظ می‌کرد، به علاوه زانوبند و بازو بند آهنین هم داشته است. این سوارها روی اسب خودشان برگستوانی چرمی می‌کشیدند.



آمیین مارسلن سوار نظام ایران را در نبرد «مرنگا» که بین ژولین امپراتور روم و شاپور بزرگ ساسانی رخ داده  
این طور می‌ستاید

« ستون معظمی که به سر کردگی مهران فرمانده کل سواران ایران به طرف ما می‌آمد یکپارچه از آهن و پولاد بود،  
قطعات آهن که سرپای آنها را می‌پوشانید طوری به هم جفت شده بود که نفرات بر راحتی می‌توانستند اعضا بدن  
را به حرکت در آورند. کلاه خود آنها تمام سر و صورت و حتی پشت گردن را حفظ می‌کرد، فقط در مقابل چشم‌ها  
و دهان شکاف‌های کوچکی وجود داشت که برای دیدن و نفس کشیدن بود. به جز این شکاف‌ها از جای دیگری  
سلاح دشمن به این رویین تنان کارگر نمی‌شد.

سواران نیزه‌دار طوری در خانه‌ی زین محکم جا گرفته بودند، مثل این که آنها را با زنجیر به پشت اسب بسته  
باشند. پشت سر آنها صفوف تیراندازان کمان‌ها را به دست گرفته بودند. همین که تیرهای ایشان از چله‌ی کمان  
رها می‌شد مرگ را تا مسافت دوری با خود می‌کشانید.  
در عقب سر پیاده‌ها فیل‌های جنگی دیده می‌شد که روئیت هیمنه‌ی آنها با خرطوم‌های دراز و دندان‌های بلندشان  
حقیقه و حشت آور بود.»



ادامه توضیحات و دیگر عکس‌ها در ادامه مطلب

از سواره سبک اسلحه‌ی دوره پیشین (اشکانی) در این زمان کم‌تر اسم برده می‌شود و از روی روایت‌های تاریخی این طور معلوم است که انجام کار این قسمت سوار در ارتش ساسانی اغلب "به عهده‌ی سوارهای چالاک و سبکبار عرب بوده است (اکتشافات، عملیات تأخیری و ایذایی و غافلگیری). قسمت ممتاز سواره در این دوره همان واحدهای گارد سلطنتی است که بنام "جاویدان" و "جان اسپار" معروف بوده است.

از بین سواران چریکی که سلاطین دست نشانده‌ی ایران برای خدمت دولت سوق می‌دادند دیلمی‌ها، چول‌های گرگان، گیلک‌ها و به خصوص ارمنه در رشادت و سوارکاری شهرت بسزایی داشته‌اند.

### پایگان

نخبه‌ی پیاده ایران در این دوره عبارت از تیراندازی است که در فن خود سرآمد آن عصر بشمار می‌آمدند و همواره مایه‌ی هراس و وحشت رومیان بودند. بنا به روایت‌های بیش‌تر مورخان رومی سرعت و مهارت تیراندازان ایران به حدی بوده که با هر تیری یک سرباز رومی را از پا در می‌آوردند و کمتر اتفاق می‌افتاد تیرشان به خطا برود. تیراندازان ایرانی در این دوره سپرهای بزرگ و مشبکی داشتند و این سپرها را مانند دیواری در جلو خود قرار داده با کمال مهارت از میان شبکه آن‌ها تیراندازی می‌کردند.

در غالب نبردها دیده می‌شود که سربازان رشید رومی جرأت مقابله با سربازان ایرانی را داشته‌اند که مطمئن می‌شدند که دیگر تیری در ترکش آن‌ها باقی نمانده است.

عمل تیراندازان در موقع عقب نشینی بیش‌تر خطرناک می‌شد و بین رومیان ضرب المثل شده بود که: «از ایرانیان به خصوص در موقع عقب نشینی آن‌ها باید حذر کرد».

دیگر واحدهای پیاده، به شمشیر و نیزه و بعضی به زوبین مسلح بودند و این‌ها را پشت سر تیراندازان قرار می‌دادند.

## فیل سواران

رسته‌ی تازه‌ایی که در زمان ساسانیان به وجود آمد، رسته‌ی فیل سواران است که در واقع جانشین گردونه‌های دوره‌ی هخامنشیان و از اسلاف ارابه‌های جنگی امروزه محسوب می‌شوند. به خصوص که مشاهده‌ی هیمنه‌ی فیل‌ها باعث هراس و واهمه‌ی رومیان می‌شد. آمیین مارسلن در بند اول کتاب ۱۹ خود آشکارا به این موضوع اشاره می‌کند: «دیدن فیل‌های جنگی ایرانیان قلب‌ها را از کار می‌انداخت و صدای این حیوان مهیب و بوی او نیز موجب وحشت و رم کردن اسب‌های ما می‌شد». تعداد فیل‌هایی که ارتش ساسانی در نبرد بارومیان به کار می‌برد، بنا به گفته مورخانی که خود در این نبردها شرکت داشته‌اند، از دویست تا به هفتصد زنجیر می‌رسیده است. از قرار معلوم تا اواخر دوره‌ی ساسانیان نیز از وجود فیل‌ها استفاده می‌شده زیرا در نبرد قادسیه وجود فیل‌ها در اردوی ایران ابتدا باعث هراس و هزیمت اعراب شده است.



در دوره‌ی ساسانی ارتش ایران به اندازه‌ایی پای بند حضور فیل‌ها بوده که بعضی اوقات در رزم‌های کوهستانی هم فیل‌ها را همراه می‌بردند و برای این منظور قبل از وقت راه‌های کوهستانی را هموار می‌کردند. بنا به روایت‌های مورخان رومی در موقع محاصره‌ی شهرها و قلعه‌های مهم از وجود فیل‌ها استفاده می‌کردند.

## شغل‌های لشکری

بزرگ‌ترین شغل نظامی در دوران ساسانی شغل «اران اسپهبد» است که صاحب این شغل در واقع فرماندهی کل قوا را داشته و از لحاظ سیاست نیز اقدام به مذاکره‌ی صلح و انعقاد عهدنامه‌های نظامی به عهده او بوده است. اران اسپهبد عضو اول شورای سلطنتی بوده و بعد از شاه مقام اول را داشته است.

نکته شایان ذکر این است که چون اغلب سلاطین ساسانی در موقع جنگ خود عهده‌دار فرماندهی می‌شدند از این رو وظایف این شخص را خودشان به عهده می‌گرفتند. به طوری که در زمان انوشیروان ضمن اصلاحاتی که در ارتش انجام شد شغل «اران اسپهبد» ملغی و تمام کشور به چهار منطقه‌ی نظامی تقسیم و برای فرماندهی قوای مقیم هر منطقه بی‌یک اسپهبد تعیین گردید.

یکی از امتیازات اسپهبد این بود که در موقع ورود او به اردوگاه به احترام وی طبل و کرنا نواخته می‌شد. بنا بر گفته بعضی از مورخان پس از شغل «اران اسپهبد» فرماندهی کل سواران مقام دوم را در سلسله مراتب داشته است. شغل ریاست کل ذخایر و تسلیحات ارتش به «انبارک بد» محول بود و این شخص در سلسله مراتب مقام سوم را حائز بوده است. شغل «ارک بد» که نظیر فرماندهی دژبان بوده از مشاغل مهم لشکری محسوب می‌شده و اغلب به افراد خانواده سلطنتی محول می‌گردیده است.

فرماندهی سوار «اسپورگان سالار» و فرماندهی پیاده «پایگان سالار» و فرماندهی تیراندازان را «تیربد» می‌گفتند.

ریاست گارد سلطنتی، به عنوان «پشتیبان سالار» نیز از مشاغل مهم نظامی بوده است. مورخین رومی به شغل دیگری در ارتش دوره ساسانی اشاره می‌کنند که عبارت از «سپاه دادور» است و در واقع نظیر شغل «قاضی عسکر» بوده است.



اسلحه و تجهیزات سپاه ایران در عصر ساسانیان در مخازن مخصوص نگهداری می شده که آنها را به نام «انبارك» و «گنج» می خواندند. مأمورین این مخازن مسئول حسن نگهداری و مرمت آنها بودند و به محض صدور فرمان حرکت يك قسمتی موظف بودند ك اسلحه و تجهیزات ضروری افراد آن قسمت را بدون عیب و نقص تحویل دهند و بعد از خاتمه عملیات پس بگیرند و در انبار قرار بدهند.

### واحدهای ارتش

گرچه راجع به سازمان دقیق و قطعی واحدهای ارتش اطلاعات صحیح و اطمینان بخشی در دست نیست، ولی از خبرها و روایت‌های مورخان این طور برمی آید که بزرگترین واحد ارتش را «گند» و فرماندهی آن را «گند سالار» می خواندند و هر گندی مرکب از چند «درفش» و هر درفشی شامل چند «وشت» بوده است. چون هر درفشی دارای پرچم مخصوص به خود بوده شاید نظیر فوج قدیم یا هنگ امروزه محسوب می شده است.

### درفش کاویانی

صرف نظر از پرچم‌های گوناگونی که در ارتش دوران ساسانی معمول بوده، بزرگ‌ترین پرچم ملی و لشکری ایران در آن دوره درفش کاویانی معروف است که به گفته‌ی تمام مورخان در نزد ایرانیان احترامی به سزا داشته و آن را شعار ملیت و مبشر فتح و ظفر می‌دانستند و روی آن را با دیبا و پرنیان پوشانیده بودند. در نتیجه این تزیین‌ها، عرض و طول پرده این پرچم به قدری زیاد شده بود که در اواخر دوره ساسانیان به ۱۵ پا در ۳۳ پا (۵ تا ۷ متر) می‌رسیده ریشه‌های پرده آن به رنگ سرخ و زرد و بنفش بوده است. فردوسی در توصیف آن می‌گوید:



چو آن پوست بر نیزه بردید کی  
 به نیکی یکی اختر افکند پی  
 بیار است آن را به دیبای روم  
 ز گوهر بر و پیکر از زر بوم  
 بزد بر سر خویش چون گرد ماه  
 یکی زال فرخ بیفکند شاه  
 فرو هشت زو سرخ و زرد و بنفش  
 همی خواندینش کاویانی درفش  
 از آن پس هر آن کس که بگرفت  
 گاه بشاهی بسر بر نهادی کلاه  
 بر آن بی بها چرم آهنگران  
 بر آویختی نو به نو گوهران  
 ز دیبای پر مایه و پرنیان  
 بر آنگونه گشت اختر کاویان



در جنگ‌های بزرگ اغلب دیده می‌شود که درفش کاویانی را با ارتش حرکت می‌داده‌اند چنانکه فردوسی در «شاهنامه» خود چندین مورد باین نکته اشاره می‌کند.

شاهنشاهان ساسانی این پرچم را به کسی جز فرماندهی کل قوا نمی‌سپردند و پس از خاتمه عملیات و بازگشت قسمت‌ها این پرچم به گنجداران مخصوص که عهده دار حفاظت آن بودند تحویل می‌گردید و در خزانه‌ی سلطنتی نگهداری می‌شد.

### شورای نظامی

بر طبق روایت‌های مورخان رومی شاهنشاهان ساسانی برای اعلام جنگ و اقدام به لشکرکشی پیش‌تر شورایی مرکب از فرماندهان و بزرگان کشور تشکیل می‌دادند و لزوم اقدام به جنگ را در آن شورا مطرح می‌کردند و با توجه به وضعیت خودی و دشمن و رعایت صلاح مملکت و مقتضیات وقت تصمیم لازم گرفته می‌شد. جلسه شورا بنا به اهمیت موضوع ممکن بود چند روز به طول انجامد. چنان که در موقع تجاوز ژوستینین امپراتور روم به مرزهای ایران و حمله‌هایی که نسبت به مندرین نعمان، سلطان حیره و تحت الحمایه ایران، شده بود بنا به روایات صریح پروکپ، انوشیروان قبل از اقدام به جنگ امر به تشکیل شورای نظامی داد، چنانکه فردوسی هم به این موضوع اشاره می‌کند:

**همه موبدان و ردان را بخواند وزان نامه چندی سخن‌ها براند**

**سه روز اندر آن بود بارای زن چو با پهلوانان لشکر شکن**

**چهارم بدان راست شد رای شد که آرد سوی جنگ قیصر سپاه**

از این رو به‌خوبی معلوم می‌شود که جلسه‌های شورای نظامی ممکن بود چند روز ادامه داشته باشد.

## قلعه داری و قلعه گیری

برخلاف تاکتیک دوره اشکانیان که اغلب به صورت مبارزه از مسافت دور و جنگ و گریز و مانورهای احاطه‌ایی پر وسعتی انجام می‌شد، در دوره ساسانیان بر اثر تجربه‌های طولانی در جنگ‌های ایران و روم حمله از نزدیک و رزم تن به تن و اتخاذ آرایش‌های جنگی منظمی معمول شده بود که بنا به گفته‌ی آمیین مارسلن و پروکپ ایرانیان از این حیث با رومیان برابری می‌کردند و حتی اغلب بر آنها برتری داشتند. از طرف دیگر ارتش ساسانی در قلعه‌داری و قلعه‌گیری و فنون محاصره هم مهارت کاملی پیدا کرده بود.

به طور کلی باید در نظر داشت که در آغاز کار ساسانیان امر مهندسی در ایران رونق زیادی نداشته چنانکه می‌بینیم در موقع اسارت والرین امپراطور روم به دست شاپور اول شاهنشاه ایران از وی تقاضا کرده که جمعی از مهندسیین رومی را به ایران جلب کند و آنها را وادار به ساختن سد (شادر وان) شوشتر کند. والرین به خواسته شاپور عمل کرد و سد شوشتر و کانال‌های زیر شهر توسط مهندسیین رومی ساخته شد و شاید به همین مناسبت بعدها به «بند قیصری» شهرت پیدا کرده است.

اما بعدها دیده می‌شود که برای محاصره دژها و استحکام‌ها رومیان، انواع ادوات و اسباب‌های معمول آن دوره را مانند منجنیق، برجك متحرك، کله قوچ و غیره به کار می‌بردند و برای خالی کردن پی حصارها و زیر برج‌ها چوب بست می‌زدند. در موقع محاصره قلعه‌های مستحکم رومی که دور آنها خندق‌های عمیقی داشته اغلب از راه حفر دالان‌های زیرزمینی خود را به نزدیکی خندق می‌رسانیدند و آن را پر می‌کردند و همچنین از راه نقب به زیر برج‌های قلعه نفوذ می‌یافتند و برج‌ها را منفجر و خراب می‌کردند؛ گاهی در پیرامون دژها تپه‌های مرتفعی برپا می‌کردند که بر برج و باروی قلعه مشرف می‌شد و از فراز آن مدافعان را تیرباران می‌کردند.

در اغلب وقت‌ها با منجنیق سنگ‌های بزرگی را به داخل قلعه پرتاب می‌کردند یا «قاروره» حاوی مواد سوزان می‌انداختند. ایرانیان در قلعه‌داری ورزیده و ماهر بودند و باریختن سرب آب کرده و مواد قیراندود از بالای برج‌ها آلات محاصره دشمن را از کار می‌انداختند و کله قوچ‌ها را با کمند گرفته به بالا می‌کشیدند یا از حرکت باز می‌داشتند. در باره‌ی به کارگیری مواد قیراندود و سوزان آمیین مارسلن می‌گوید: ژولین تصمیم گرفت که از «نهر ملك» کشتی‌های خود را از رودخانه فرات به رودخانه دجله بیاورد و قسمتی از پیاده نظام رومی را با کشتی‌ها به ساحل ایران فرستاد که پیاده شده سر پلی تشکیل بدهند. ایرانیان با پرتاب مواد سوزان روی کشتی‌ها

آن‌ها را آتش زدند و مانع از پیاده شدن افراد گردیدند. در جای دیگر می‌گویند ایرانیان برای جلوگیری از سوختن کله قوچ‌های خودشان به روی آن روپوش چرمی کشیده بودند.

### انضباط

در ارتش دوره ساسانی انضباط خیلی محکمی برقرار بود و برای جرم‌های مهم نظامی: (خیانت به شاه، تمرد از اوامر فرماندهان، سرکشی، فرار) مجازات‌های شدید اعمال می‌شد. یکی از وظایف مهم افسران حفظ اسرار نظامی بوده است چنان‌که آمیین مارسلن در بند ۲۳ کتاب ۳۱ خود به آن اشاره می‌کند:

« کلیه اطلاعاتی که به وسیله دیده‌وران و پناهندگان به اردوی ما می‌رسید مخالف یکدیگر بود، زیرا در ایران از نقشه‌های جنگ و نیات فرماندهی جز افسران ارشد احدی اطلاع پیدا نمی‌کرد و از آن‌ها هم کوچکترین مطلبی نمی‌توانستیم به دست آوریم، برای این که حفظ اسرار نظامی را از فرایض مذهبی خود می‌دانستند و به هیچ قیمتی ابراز نمی‌داشتند.»

### بازدید و پرداخت مواجب

در موقع پرداخت مواجب هم بایستی لشکریان از سان بگذرند و فقط به کسانی حقوق می‌دادند که در اسلحه و تجهیزات آن‌ها عیب و نقصی دیده نمی‌شد. هیچ کس و هیچ مقامی از این قاعده مستثنی نبود. چنان‌که بابک موقع پرداخت حقوق افسران به شخص شاه مواجب نداد، برای این که هنگام بازدید معلوم شد انوشیروان دوزخ بدکی کمان خود را فراموش کرده است و او مجبور شد به قصر سلطنتی برگشته و دوزخ بدکی خود را بردارد و بیاورد و پس از آن حقوق دریافت دارد.

در خورد و خوراک سربازان هم کمال مراقبت می‌شده و غذای زمان جنگ آنان مقوی‌تر از زمان صلح و مرکب از نان و گوشت و شیر بوده و برای کسانی که از غذای سرباز می‌دزدیدند شدیدترین مجازات را به کار می‌بردند.

به علاوه از انتشار اخبار و پاره‌ایی اظهارات که ممکن بود باعث بدبینی و تولید یأس و تزلزل روحیه سربازان بشود به شدت جلوگیری می‌کردند و در موقع جنگ این موضوع از وظایف حتمی فرماندهان بود.

خلاصه در پرتو رشادت و فداکاری و انضباط محکم همین ارتش بود که شاهنشاهان ساسانی توانستند امپراطوران معروف رومی را با قشون‌های معظم آن‌ها شکست بدهند، از جمله: امپراطور والرین در زمان شاپور اول و امپراطور کنستانتین و ژولین در زمان شاپور بزرگ و امپراطور آنتاستاسیوس در زمان قباد و امپراطور ژوستینیان در زمان انوشیروان.





<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی